

شرق‌شناسی «اسرائیلی»، خصوصیات و اهداف

احمد صلاح بهنسی^۱
منبع: القدس؛ مجله شئون اسرائیلیه
مترجم: قیس زعفرانی

◆ اشاره

گستره شرق و مفهوم آن در شرق‌شناسی «اسرائیلی» اسلام با تمام ابعاد و زوایای آن است. در این نوع از شرق‌شناسی رایج در «اسرائیل» یهودیان متعددی در مراکز علمی، تحقیقاتی، تاریخی، تمدن، فلسفه و فقه اسلامی و بسیاری از دستاوردهای علمی و فرهنگی، اسلام را مورد مذاقه و توجه قرار می‌دهند و متأسفانه به اندازه همین توجه از سوی «اسرائیل» و صهیونیسم از اسلام و علوم مرتبط با آن و بسیاری از کشورهای اسلامی، به ویژه ایران، این فعالیت‌ها را رصد نمی‌کنند و از عواقب زبان‌بار آن نیز مطلع نیستند.

مؤسسات علمی و تحقیقاتی موجود در «اسرائیل» با ارائه دستاوردهای خود، مهم‌ترین عامل در تدوین

۱. محقق و مترجم عبری.

استراتژی ضداسلامی صهیونیسم می‌باشند. در واقع باور این نکته بسیار سهل است که «اسرائیل» عامل بسیاری از تفرقه‌افکنی‌های مذهبی و فرقه‌ای در کشورهای اسلامی است؛ چرا که اساساً شناخت فرق و مذاهب اسلامی از مهم‌ترین سرفصل‌های تئوری مراکز علمی موجود در «اسرائیل» و مؤسسات مربوطه است. فصلنامه ۱۵ خرداد بر آن است تا در شماره‌های آینده پیرامون اسلام‌شناسی با نگاه صهیونیستی و آسیب‌های وارد بر جهان اسلام از این زاویه مطالبی را ارائه کند و بدون شک از تمامی نظرات و مقالات در این خصوص نیز استقبال می‌کند.



نویسنده در تعریف اصطلاح «شرق‌شناسی اسرائیلی» و تحقیق و پژوهش در این‌باره با مشکلات چندی مواجه می‌شود، چون اختلاف نظرهای علمی بسیاری پیرامون این اصطلاح وجود دارد و تاکنون میان محققان و پژوهشگران اتفاق نظری حاصل نشده است. غیر از آن اصطلاح «شرق‌شناسی» با نیمه دیگر خویش یعنی «اسرائیلی» در چندین اصطلاح و مفهوم تداخل دارد که سبب می‌شود مشکلات علمی دیگری به این مبحث افزوده شود. اشکالات مربوط به تعریف و پژوهش پیرامون اصطلاح «شرق‌شناسی اسرائیلی» را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. اختلاف در تعریف اصطلاح «شرق‌شناسی»

پژوهشگرانی که در زمینه شرق‌شناسی فعالیت می‌کنند، هنوز پیرامون تعریف جامع، معین و نهایی از اصطلاح «شرق‌شناسی» به توافق نرسیده‌اند. از یک‌سو توافق نشده است که شرق‌شناسی با توجه به ماهیت و بافتش، علم، پدیده، یا جنبش نامیده شود و از سوی دیگر هر محقق یا پژوهشگر آن را بر حسب برداشت یا زاویه دید، تحقیقات و پژوهش‌هایش معرفی کرده است. مثلاً کسانی که از بعد تاریخی به این اصطلاح پرداخته‌اند، برای آن نیز تعریفی مطابق علم تاریخ وضع کرده‌اند، یا کسانی که از بعد سیاسی آن را بررسی نموده‌اند، برای آن

تعریفی سیاسی ارائه داده‌اند... و به همین ترتیب الی آخر.

شاید یکی از دلایل این تعدد تعاریف به فراگیری و کلیت اصطلاح «استشراق» باز می‌گردد که شامل علوم مختلف انسانی می‌شود (تاریخ، جغرافیا، سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و...). به همین دلیل ملاحظه می‌شود که تعاریفات ارائه شده متعدد، متفاوت و تداخل یافته در یکدیگرند. به عنوان مثال برخی استشراق را چنین تعریف کرده‌اند:

خطمشی و شیوه غرب برای حاکمیت بر شرق و شکل‌دهی و سازماندهی فکری و

سیاسی این منطقه جغرافیایی و ادامه حاکمیت بر آن.^۱

یا برخی دیگر در تعریف این اصطلاح گفته‌اند:

خطمشی تفکر غربی است که پایه و اساس آن را اندیشه‌ای تشکیل می‌دهد که عنوان

می‌کند: شرق و غرب از حیث موجودیت و شناخت، تفاوت‌های عمیقی با یکدیگر دارند و

در این میان غرب با تفوق نژادی و فرهنگی خویش، از شرق متمایز می‌شود.^۲

رودی پارت^۳، شرق‌شناس آلمانی، استشراق را چنین تعریف می‌کند:

دانشی که به فراگیری زبانی خاص می‌پردازد. این دانش، دانش شرق و علم یا دانش

جهان شرق است.^۴

اما اگر این اصطلاح را به شکل علمی و موضوعی تحلیل کنیم تا به تعریفی مناسب از آن دست یابیم، ملاحظه می‌کنیم ریشه لغوی آن به مصدر فعل (استشرق) یا روی به سوی شرق کرد و لباس ساکنان این منطقه را بر تن کرد یا «آشنایی بیگانگان با نحوه زندگی و فنون و هنرها و زبان‌ها و آداب و رسوم و تمدن و تاریخ شرق» معنا می‌دهد،^۵ یا گفته می‌شود: (شَرَقَ هنرها و زبانها و آداب و رسوم و تمدن و تاریخ شرق)

۱. ادوارد سعید، *الاستشراق، المعرفة، السلطه، الانشاء*، ترجمه به عربی: کمال ابودیپ، مؤسسه الابحاث العربیه، بیروت ۱۹۸۸، ص ۳۷.

۲. احمد عذب، *رؤیه اسلامیه للاستشراق، المنتدی الاسلامی*، لندن، ۱۹۹۱، ص ۷.

3. Rudi part

۴. احمد محمود هویدی، *مدخل الی الاستشراق و مدارسه*، قاهره، ۲۰۰۴، ص ۵.

۵. *المعجم الحدیث*، کلمه (ش. ر. ق.).

المكان) که به معنای آفتاب بر آن مکان تابید، است. همچنین است: (شَرَقَ) به معنای روی به مشرق نهاد یا (تَشَرَّقَ) به معنای آفتاب گرفتن برای گرم شدن یا (الشَّارِق) و (الشَّرْق) به معنای خورشید و (المَشْرِق) به معنای جهت طلوع آفتاب و سرزمین‌های اسلامی که در شرق شبه جزیره عربستان قرار دارند.^۱ آشکار است، ریشه فعلی که اصطلاح از آن گرفته شده، «ش. ر. ق» است که به آن سه حرف (ا. س. ت) افزوده شده تا در زبان عربی از آن طلب و درخواست، چه حقیقی یا مجازی، استفاده شود.

ریشه‌های تاریخی این اصطلاح از حیث ظهور و انتشار در غرب به اواخر قرن هجدهم میلادی باز می‌گردد؛ زمانی که برای اولین بار در اروپا کلمه «شرق‌شناس» (Orientalist)، در انگلستان در سال ۱۷۷۹^۲ و در فرانسه کلمه (Orientaliste) در سال ۱۷۹۹ و سرانجام در فرهنگ آکادمیک فرانسه، در سال ۱۸۲۸ ظهور نمود. بر این اساس می‌توان «شرق‌شناسی» را «جنبشی علمی - غربی» (اروپایی) تعریف کرد که هدف آن بررسی تمام امور و شئون شرق (سیاست، اقتصاد، تاریخ، جغرافیا، اینترپولیوژی و...) است تا به اهداف استعماری و استیلا بر کشورهای جهان شرق (اسلامی) خدمت کند و این اصطلاح به نظر من، پایه و اساس توجه و

گرایش غرب به تحقیق و تفحص در شرق است، چون همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم، ظهور این اصطلاح با شروع جنبش استعماری غرب در کشورهای شرق (آسیا و آفریقا) در قرن هجدهم هم‌زمان بود و بیشتر در سایه استعمار و با حمایت و پشتیبانی آن و برای خدمت به

نمی‌توان از شرق‌شناسی «اسرائیلی» سخن گفت، مگر آنکه در ابتدا سخن از شرق‌شناسی «یهودی» و «صهیونیستی» و همچنین «غربی» به میان آورد.

۱. المعجم الوسیط، بخش ش، کلمه (ش. ر. ق).

۲. کلیه سال‌های مندرج در این مقاله به میلادی می‌باشد.

آن رشد نمود.

۲. ارتباط «شرق‌شناسی اسرائیلی» با نوع یهودی، صهیونیستی و غربی آن به هیچ عنوان نمی‌توان از شرق‌شناسی «اسرائیلی» سخن گفت، مگر آنکه در ابتدا سخن از شرق‌شناسی «یهودی» و «صهیونیستی» و همچنین «غربی» به میان آورد. شرق‌شناسی «اسرائیلی»، مرحله سوم و آخرین مرحله از تغییر و تحول «شناخت یهودی در شرق‌شناسی» را تشکیل می‌دهد. اولین مرحله از این شناخت با شرق‌شناسی کلی یهود آغاز می‌شود و سپس با شرق‌شناسی صهیونیستی ادامه می‌یابد و سرانجام با شرق‌شناسی «اسرائیلی» به اتمام می‌رسد و این امر باری دیگر بر دوش پژوهشگران در حوزه شرق‌شناسی «اسرائیلی» می‌گذارد که در لزوم تمیز این نوع شرق‌شناسی از حیث موضوعات و خصوصیات از دو مرحله پیشین نمود پیدا می‌کند. به ویژه آنکه با شرق‌شناسی غربی از حیث درگیری با مشکلات و مواجه شدن با بحران‌ها و به ویژه تشابه و چه بسا همخوانی با آن در شبهاتی که بر اسلام وارد ساختند، ارتباط پیدا می‌کند.

در تاریخ نوین، شرق‌شناسی یهودی، به عنوان بخشی از جنبش شرق‌شناسی در غرب که با آغاز قرن هجدهم ظهور نمود، تحقیقات خود را بر اسلام و جوامع اسلامی متمرکز می‌کند و به این ترتیب یهود جایگاه حائز اهمیتی در جنبش شرق‌شناسی غربی اروپایی احراز می‌کند.^۱ اما شرق‌شناسی صهیونیستی بالطبع با جنبش صهیونیسم مرتبط شد که اساساً در سال ۱۸۸۱ در شرق اروپا ظهور نمود و اهداف و موضوعات مخصوص به خود داشت که در خدمت صهیونیسم و ریشه‌ای جلوه دادن موجودیت یهود در فلسطین بود. پس از آن نوبت به «شرق‌شناسی اسرائیلی» می‌رسد که با تشکیل کشور «اسرائیل» در سال ۱۹۴۸ به عنوان ادامه «شرق‌شناسی یهودی» و «شرق‌شناسی صهیونیستی» پای به عرصه گذاشت و سرانجام اینکه

۱. محمد خلیفه حسن، «المدرسه الیهودیه فی الاستشراق»، مجله رساله المشرق، قاهره، ش ۱ - ۴، ج ۱۲، ۲۰۰۳، ص ۴۵.

ملاحظه می‌کنیم، آمیزش و تداخلی آشکار در موضوعات شرق‌شناسی «اسرائیلی» با موضوعات شرق‌شناسی «یهودی» و «صهیونیستی» و همچنین غربی به وجود می‌آید و مهم‌ترین مثال در این زمینه، مسأله «ترجمه‌های عبری از قرآن» است که اولین ترجمه از این نوع در لایپزیک در سال ۱۸۵۷ منتشر شد که حییم هرمن ریکندروف آن را ترجمه کرده بود و به دوره «شرق‌شناسی یهودی» باز می‌گردد.^۱

اما اولین ترجمه قرآن در فلسطین و در سال ۱۹۳۷ منتشر شد که مترجم آن یوسف ریولین بود. این ترجمه منسوب به دوره «شرق‌شناسی صهیونیستی» است.

سومین ترجمه در «اسرائیل» در سال ۱۹۷۱ منتشر شد که اهارون بن شیمش آن را ترجمه کرده بود. چهارمین ترجمه از قرآن نیز در «اسرائیل» در مارس ۲۰۰۵ چاپ و منتشر شد که ترجمه آن را پروفسور اوری رابین، استاد پژوهش‌های اسلامی و قرآن‌شناسی بخش زبان عربی و اسلام دانشکده ادبیات دانشگاه تل‌آویو، بر عهده داشت. این دو ترجمه منتسب به دوره

«شرق‌شناسی اسرائیلی» است. اما

ملاحظه می‌کنیم، این ترجمه‌ها، با وجودی که به مراحل مختلف شرق‌شناسی عام یهودی منتسب می‌شوند، اما در بسیاری از شبهاتی که بر قرآن وارد کرده‌اند، با یکدیگر تشابه دارند، مانند شبهه ارجاع دادن قرآن به منابع یهودی، مسیحی و بت‌پرستانه، افزون بر اینکه خطاها و اشتباهات لغوی ترجمه، مکرر و در هر چهار ترجمه بسان یکدیگر است.

در تاریخ نوین، شرق‌شناسی یهودی، به عنوان بخشی از جنبش شرق‌شناسی در غرب که با آغاز قرن هجدهم ظهور نمود، تحقیقات خود را بر اسلام و جوامع اسلامی متمرکز می‌کند و به این ترتیب یهود جایگاه حائز اهمیتی در جنبش شرق‌شناسی غربی اروپایی احراز می‌کند.

۱. ایوان کولبرگ، قرآن، موسوعه کامل عبری، یهودیت و سرزمین اسرائیل، قدس، ۱۹۷۴، ج ۴، ص ۵۲.

۳. زبان شرق‌شناسی «اسرائیلی»

برخی شرق‌شناسی «اسرائیلی» را این‌گونه تعریف می‌کنند:

رهاوردی علمی در حوزه تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی و نوشته شده به زبان عبری نوین که حاصل تلاش دانشمندان «اسرائیلی» کارشناس در حوزه پژوهش‌ها و تحقیقات عربی و اسلامی است.^۱

اما این تعریف مسأله خاص و مهمی را با مشکل مواجه می‌کند که «زبان» نام دارد، چون طبق این تعریف، رهاورد شرق‌شناسی «اسرائیلی» باید به زبان عبری نوشته شده باشد، در حالی که شرق‌شناسان «اسرائیلی» بسیاری وجود دارند که دستاوردهای علمی خویش را به زبانی غیر از زبان عبری (مانند انگلیسی، فرانسه و آلمانی) به رشته تحریر در آورده‌اند. از جمله پروفیسور اوری رابین، شرق‌شناس «اسرائیلی» معاصر و استاد پژوهش‌های اسلامی بخش زبان عربی دانشکده ادبیات دانشگاه تل‌آویو و صاحب جدیدترین ترجمه عبری از معانی

قرآن کریم که تألیفاتی به زبان انگلیسی و

آلمانی نیز دارد و در این میان می‌توان به

آخرین کتاب وی با نام

The chil: Between Bible and Quran dren of Israel and the Islamic Historical Self Image

اشاره کرد که دانشگاه آکسفورد لندن

آن را در سال ۲۰۰۴ چاپ و منتشر کرد.^۲

افزون بر آن یهوشفاط هرکابی،

شرق‌شناس «اسرائیلی» که از



شرق‌شناسی بعد علمی استعمار غرب است که استعمار آن را برای تحقق اهدافش به خدمت گرفته است و در رأس این اهداف، ایجاد تفرقه در شرق عربی اسلامی قرار دارد.



۱. محمد خلیفه حسن، همان، ص ۶۴، ۶۵.

شرق‌شناسان مهم و خطرناک وابسته و مرتبط با ارگان‌های سیاسی و آموزشی و اطلاعاتی «اسرائیل» تلقی می‌شود، به جز تألیفاتش به زبان عبری، نوشته‌هایی به زبان انگلیسی نیز دارد. مثلاً در سال ۱۹۷۷ در نیویورک کتابی از وی به نام *استراتژی‌های عربی و رویارویی‌های اسرائیلی* به زبان انگلیسی چاپ و منتشر شد.

نمونه دیگر، پروفیسور یوسف سادان، استاد ادبیات کلاسیک عرب بخش زبان‌های عربی دانشکده ادبیات دانشگاه تل‌آویو، تألیفات متعددی به زبان فرانسه دارد که مهم‌ترین آن

Le mobilier au Proche - Orient medieval Leiden , Holland (E. J Brill)

است.^۱

این «دو زبانی» در نوشته‌های شرق‌شناسان «اسرائیلی»، به مثابه «پدیده‌ای» در تاریخ یهود است که یهود را از قرن‌ها پیش متمایز کرده است. آنها در کنار زبان عبری به زبان ملی سخن گفته و مطلب نوشتند که در میان آنها می‌زیستند. به عنوان نمونه در دوره رومی‌ها به زبان لاتین سخن می‌گفتند و مطلب می‌نوشتند و در قرون وسطی در سایه اسلام و فرهنگ عربی، از زبان عربی استفاده کردند، مهم‌ترین و بارزترین دستاوردهای ادبی و فرهنگی‌شان را به زبان عربی به رشته تحریر درآوردند و هنگامی که در سال ۷۰ میلادی چون اقلیت‌ها به اسارت رومیان در آمدند، در سراسر اروپا متفرق گشتند و هر طایفه یهودی به زبان کشوری سخن گفت که در آن به سر می‌برد. افزون بر آن یهود زبان‌های خاصی ابداع کرد که آمیزه‌ای از چند زبان و خاص ایشان بود، مانند زبان «عربی - یهودی» که برخی تألیفات قرون وسطای خود را به آن زبان نوشتند و در واقع زبان عربی نوشته شده به حروف عبری بود تا کسی غیر از یهود، نتواند آن را بخواند و از فحوی آن مطلع شود.

همچنین زبان معروف «بیدیش» را تغییر دادند و از آن استفاده کردند که آمیزه‌ای از زبان عبری و لغاتی از زبان اسلاواکی اروپایی بود که بخش گسترده‌ای از آثار ادبیات خاص

دانشگاه‌های یهودی در اروپا طی دو قرن هجدهم و نوزدهم به این زبان نوشته شدند. بر این اساس به نظر می‌رسد نوشته‌های شرق‌شناسانه «اسرائیلی»، الزاما به زبان «عبری نوین» نوشته نشده‌اند. این در حالی است که اثری از شرق‌شناسی که دارای شناسنامه «اسرائیلی» باشد و در دوره پس از تأسیس کشور «اسرائیل»، یعنی سال ۱۹۴۸، نوشته شده و بیانگر دیدگاه صرف شرق‌شناسانه «اسرائیلی» و دستاورد علمی شرق‌شناسی «اسرائیلی» باشد، عرضه نشده است، صرف نظر از اینکه به چه زبانی نوشته شده است، عبری یا هر زبان دیگر جهان.

◆ موضوعات و خصوصیات شرق‌شناسی «اسرائیلی»

تا زمانی که «شرق‌شناسی اسرائیلی» ادامه شرق‌شناسی «یهودی» و «صهیونیستی» باشد، بی‌شک تحت تأثیر شرق‌شناسی «غربی» است و در بسیاری از موضوعات و مضامین و خصوصیات و به ویژه در شباهت‌ها و منابع و تاریخش با آنها مشترک بوده و شبیه آنهاست. در واقع تمرکز شرق‌شناسی «اسرائیلی» آن قدر گسترش یافته که تمام امور و شئون جهان اسلام (سیاست، اقتصاد، تاریخ، مذهب و...) را در بر می‌گیرد، اما دارای خصوصیات خاص دیگری نیز می‌باشد که این نوع از شرق‌شناسی را از انواع دیگر آن متمایز می‌کند. مهم‌ترین این خصوصیات و ویژگی‌ها را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

۱. پژوهش در منابع اصلی و کتاب‌های مرجع اسلامی و ترجمه آنها

از آنجا که قرآن کریم و سنت نبوی دو منبع اساسی در اسلام به شمار می‌آیند و اهمیت ویژه‌ای در اندیشه مذهبی هر فرد مسلمان دارند، شرق‌شناسان «اسرائیلی» تمرکز خود را بر پژوهش در این دو منبع و ترجمه آنها متمرکز کرده‌اند. به همین دلیل ملاحظه می‌کنیم، دو ترجمه عبری از معانی قرآن کریم ارائه شد که هر دو در همان اوایل مرحله شرق‌شناسی

«اسرائیلی» چاپ و منتشر شدند.

اولین آن در سال ۱۹۷۱ منتشر شد و ترجمه آن را اهارون بن شیمش بر عهده داشت و دیگری را دانشگاه تل‌آویو در مارس ۲۰۰۵ تحت عنوان اولین مجموعه برگزیده از مهم‌ترین آثار ادبیات عرب چاپ و منتشر کرد که پروفیسور اوری رابین استاد پژوهش‌های اسلامی بخش زبان عربی دانشکده ادبیات دانشگاه تل‌آویو آن را ترجمه کرد. مهم‌ترین خصوصیت این



شرق‌شناسی اسرائیلی به عنوان یکی از جناح‌های شرق‌شناسی استعمار توجه خود را به شکل وسیع و گسترده بر تحقیق و پژوهش در طوایف اسلامی و به ویژه «شیعه» متمرکز نمود، از آن جهت که شیعه نه تنها به عنوان یک طایفه مطرح است، بلکه مهم‌ترین و بیشترین تأثیرات سیاسی و اجتماعی را در تاریخ اسلام از خود بر جای نهاده است.



دو ترجمه تحریف و عدم امانتداری علمی در انتقال مطلب و ترجمه است. ضمن آنکه ملاحظه می‌کنیم، تعدادی از دانشگاه‌ها و مراکز انتشاراتی شرق‌شناسی «اسرائیل» بسیاری از منابع مهم اسلامی را که اهمیت بسزایی در میراث فکری و تمدنی و تاریخی اسلام دارند، به همین ترتیب ترجمه کرده‌اند و از این میان می‌توان به ترجمه کتاب *مقدمه‌ای در علم تاریخ* نوشته ابن خلدون اشاره کرد که انتشارات بیالیک در قدس در سال ۱۹۹۷ آن را چاپ و منتشر کرد.

اما پیرامون پژوهش‌های اسلامی خانم حافا لاتسروس، شرق‌شناس «اسرائیلی» و استاد پیشین مرکز تحقیقات و

پژوهش‌های آفر آسیایی دانشگاه عبری، از پژوهشگران مهم در حوزه پژوهش‌های اسلامی به شمار می‌آید که از دهه ۸۰ قرن گذشته تحقیقات گسترده و عمیقی پیرامون خلیفه «عمر بن خطاب» جهت شناخت تأثیر و اهمیت وی در اسلام و آثار مذهبی و نه سیاسی‌اش آغاز کرده

است. وی تحقیقات بسیاری پیرامون عبادت و پرستش و آیین‌های عبادی اسلام دارد که مهم‌ترین آن «حج در گذر قرون» نام دارد.^۱

۲. پژوهش در زبان و ادبیات عرب

شرق‌شناسی «اسرائیلی» اهمیت بسیار زیادی به پژوهش در زبان و ادبیات عرب و حتی لهجه‌های آن می‌دهد و شرق‌شناسان «اسرائیلی» در پژوهش‌های خویش از شیوه‌های نوین زبان‌شناسی استفاده می‌کنند.^۲ از مهم‌ترین پژوهش‌های به عمل آمده در این زمینه می‌توان به تحقیق بزرگ مرکز تحقیقاتی «الشرقیه» وابسته به دانشگاه عبری اشاره کرد که هدف آن جمع‌آوری اشعار شاعران عرب قدیم در یک مجموعه بود. همچنین در سال ۱۹۴۷ فرهنگ لغت عبری - عربی بزرگی با نظارت ایلون و ب. شنگار، از اساتید دانشگاه زبان عربی دانشگاه عبری، چاپ و منتشر شد. از جمله مهم‌ترین شرق‌شناسان «اسرائیلی» در حوزه پژوهش در ادبیات عرب، از عصر جاهلیت تا عصر نوین، می‌توان به پروفیسور مئیر یعقوب کیستر اشاره کرد که در سال ۱۹۸۱ جایزه کشور جعلی «اسرائیل» را در حوزه‌های پژوهشی و تحقیقاتی دریافت کرد. او تحقیقات مهمی پیرامون انتقال ادبیات عرب از عصر جاهلیت به دوره اسلامی دارد.^۳

۳. پژوهش در تاریخ جهان عرب و به ویژه فلسطین

تحقیق و پژوهش در تاریخ جهان عرب نه تنها مورد توجه شرق‌شناسان عربی بود، بلکه «اسرائیلی»‌ها نیز به آن توجه بسیار داشته و دارند، چون فلسطین با تاریخ و میراث و

۱. ابراهیم عبدالکریم، الاستشراق و ابحاث الصراع لدى الاسرائیل، دارالجلیل للنشر و التوزیع، عمان، ۱۹۹۲، ص ۱۸۶.

۱۸۷.

۲. محمد خلیفه حسن، همان، ص ۷۶، ۷۷.

۳. ابراهیم عبدالکریم، همان، ص ۱۷۹ - ۱۸۱.

اینتربیولوژی خویش مرکز توجه پژوهش‌های شرق‌شناسانه «اسرائیلی» بوده است که هدف نهفته در پس تمام این پژوهش‌ها، نگارش و تفسیر مجدد تاریخ جهان عرب به طور عام و فلسطین و شهر قدس به طور خاص به نحوی است که بیانگر حضور و سکونت مستمر یهود در آن از قرن‌های دور باشد. به عنوان مثال ملاحظه می‌کنیم، مرکز پژوهش‌های یهودی ید بن زوی^۱ وابسته دانشگاه عبری، اکثر تحقیقات و پژوهش‌های خود را بر تاریخ یهود در فلسطین و قدس به شکل خاص متمرکز کرده است و از مهم‌ترین منشوراتش در این حوزه کتاب *پژوهش‌ها و منابع تاریخی طوایف «اسرائیل» در شرق نوشته مئیر بن یاهو (سال ۱۹۸۴)* و کتاب *اهداف اقامت یهود در شرق اردن ۱۷۸۱ - ۱۹۴۷* نوشته «زوی ایلان» (۱۹۸۵) بوده است. غیر از آن، دانشگاه عبری دو جلد کتاب قطور با عنوان *قدمای عرب منتشر کرد که از تاریخ عرب در پنج قرن هزاره اول قبل از میلاد سخن می‌گوید و روابط خارجی اعراب منطقه را با امپراطوری‌های قدیم شرق تحلیل و بررسی می‌کند.*^۲

۴. پژوهش در جوامع اسلامی و جنبش‌های «اسلام سیاسی» فعال در این جوامع شرق‌شناسان «اسرائیلی» بخش عظیم گرایش‌های تحقیقاتی خویش را بر پژوهش در جوامع عربی به طور کلی و فلسطین به طور خاص متمرکز کردند و از روش‌های متعددی در این زمینه استفاده کردند که در علوم مختلف انسانی کاربرد دارد، از جمله «جامعه‌شناسی»، «اینتربیولوژی» و... تا به شناختی دقیق از سیستم حاکم بر جوامع عربی و اسلامی و واحدهای تشکیل‌دهنده آن و شیوه‌های زندگی در این جوامع دست یابند، همچنین در زمینه تحقیق در وضعیت اقلیت‌های اجتماعی درون جامعه فلسطین و روابط میان این اقلیت‌ها و یهود در فلسطین توجه خاصی داشتند.^۳ از مهم‌ترین فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه انتشار دو

۱. همان، ص ۱۰۸، ۱۰۹. برای اطلاع بیشتر از فعالیت‌های این مرکز به شبکه اینترنتی www.ybzorgil مراجعه کنید.

۲. همان، ص ۱۸۴.

۳. محمد خلیفه حسن، همان، ص ۷۵.

جلد کتاب قطور و در برگیرنده مجموعه تحقیقات شرق‌شناسانه با عنوان پژوهش‌هایی پیرامون یهودیت و اسلام^۱ که به تاریخ جوامع عربی و اسلامی به طور کل و یمن و مغرب به طور خاص می‌پردازد.^۲

افزون بر آن شرق‌شناسی «اسرائیلی» به جنبش‌های «اسلامی سیاسی» فعال در جوامع اسلامی - عربی توجه خاصی کرده است که در رأس آنها جنبش «اخوان المسلمین» قرار دارد، جنبشی که در مصر ظهور نمود و اکثر کشورهای اسلامی را فرا گرفت و تأثیر فکری و مذهبی در خور توجهی از خود بر جوامع عربی و اسلامی گذاشت. به همین دلیل ملاحظه می‌کنیم،

بخش پژوهش‌های اسلامی و زبان عربی دانشکده ادبیات دانشگاه تل‌آویو، واحد درسی کامل و خاصی را به پژوهش و تحصیل در این جنبش، از زمان تأسیس تاکنون، اختصاص می‌دهد. این واحد درسی با عنوان «پژوهشی در نوشته‌های جنبش اخوان المسلمین مصر» ارائه شده و یسرائیل شنتسرل، شرق‌شناس «اسرائیلی»، آن را تدریس می‌کند. این واحد به تعدادی از تألیفات حسن البنا، بنیانگذار جنبش و سید قطب پرداخته است و افکار و اندیشه‌های مطرح را در این کتاب‌ها تحلیل و بررسی می‌کند.^۳

اکثر شرق‌شناسان اسرائیلی ارتباطی عمیق و مستحکم با دستگاه‌های امنیتی، سیاسی و آموزشی اسرائیل دارند و اکثر جناح‌ها و مؤسسات و نهادهای اسرائیلی متمرکز بر پژوهش‌های شرق‌شناسانه، یا درون مؤسسات و نهادهای آموزشی و امنیتی و سیاسی اسرائیل هستند یا به نوعی با این مؤسسات ارتباط دارند.

۱. این کتاب را دانشگاه عبری با نظارت پرفسور بن‌عمی منتشر کرده است.

۲. ابراهیم عبدالکریم، همان، ص ۱۸۴، ۱۸۵.

۵. پژوهشی در طوایف و فرق اسلامی (به ویژه شیعه)

همان‌گونه که شرق‌شناسی بعد علمی استعمار غرب است که استعمار آن را برای تحقق اهدافش به خدمت گرفته است و در رأس این اهداف، ایجاد تفرقه در شرق عربی اسلامی قرار دارد، شرق‌شناسی «اسرائیلی» نیز به عنوان یکی از جناح‌های شرق‌شناسی استعمار توجه خود را به شکل وسیع و گسترده بر تحقیق و پژوهش در طوایف اسلامی و به ویژه «شیعه» متمرکز نمود، از آن جهت که شیعه نه تنها به عنوان یک طایفه مطرح است، بلکه مهم‌ترین و بیشترین تأثیرات سیاسی و اجتماعی را در تاریخ اسلام از خود بر جای نهاده است. از آثار مهم منتشرشده در این حوزه می‌توان به کتاب مارتین کرمز، شرق‌شناس «اسرائیلی»، با عنوان *شیعه، سلاله علی، انقلاب در اسلام شیعی* اشاره کرد که در سال ۱۹۸۵ در تل‌آویو چاپ و منتشر شد و مؤلف در آن به دلیل واقعی نهفته در پس ظهور شیعه اشاره می‌کند. وی معتقد است دلیل ظهور شیعه شخص پیامبر است که وارثی از خود در امر حکومت بر جای نگذاشت و همین عامل باعث بروز آشوب و بلوا میان مسلمانان شد.^۱

همچنین به تحقیق و پژوهش در تصوف اسلامی و فرق مختلف آن نیز توجه خاصی شده است، اما به شکلی که نشان‌دهنده ضعف و سستی در عقیده اسلامی باشد و با تحریف آن، آن را عقیده‌ای معرفی کنند که از یاران و پیروان خویش گوشه‌گیری و عزلت و رهبانیت طلب می‌کند. این موضوع باعث شد، اتحادیه مورخان عرب ضمن نشر اطلاعیه‌ای در فوریه ۱۹۸۶، فعالیت‌ها و تحقیقات و پژوهش‌های شرق‌شناسانه «اسرائیلی» را در حوزه تصوف اسلامی محکوم نماید و آن را تحریف شده و مغرضانه توصیف کردند.

۶. پژوهش در مسائل نزاع اعراب با «اسرائیل»

مسائل و قضایای نزاع اعراب با «اسرائیل»، مرکز توجهات شرق‌شناسان «اسرائیلی» و

۱. محمد جلاء ادریس، *الاستشراق الاسرائیلی فی الدراسات العربیه المعاصره*، قاهره، مکتبه الآداب، ۲۰۰۳، ص ۱۴۴.

فعالیت‌های آنان را تشکیل می‌دهد، چون مسأله فلسطین، مسأله محوریست که این نزاع از زمان ظهور جنبش صهیونیسم حول آن متمرکز است. به همین منظور شرق‌شناسی «اسرائیلی» به نزاع با فلسطینی‌ها و نحوه اداره آن توجه نمود و پژوهش‌های خاصی در زمینه نیروهای سیاسی درون جامعه فلسطینی و در رأس آنها «سازمان آزادیبخش فلسطین» و

همچنین جنبش‌های اسلامی و ملی فلسطینی مانند جهاد اسلامی و حماس و غیره صورت گرفته و می‌گیرد.^۱

در رأس این شرق‌شناسان «اسرائیلی» که به نگارش مقالات و انجام تحقیقات در حوزه‌های نزاع اعراب با «اسرائیل» توجه خاصی داشتند، یهوشفاط هرکابی، شرق‌شناس «اسرائیلی» است که دارای تألیفات بی‌شماری در این حوزه است، مانند کتاب موضع اعراب در قبال نزاع

اگر وجه تمایز شرق‌شناسی یهودی در این است که بر بعد مذهب بسیار تکیه می‌کند و توجهات شرق‌شناسی صهیونیستی میان مذهب و سیاست و تاریخ در نوسان است، شرق‌شناسی «اسرائیلی» با غلبه بافت و هویت سیاسی از دو نوع دیگر خود متمایز می‌شود.

اعراب - «اسرائیل» که در سال ۱۹۶۸ در تل‌آویو منتشر شده و از ده فصل تشکیل شده است. همچنین کتاب جریان‌ها و جناح‌های سیاسی و اجتماعی عربی پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ که در سال ۱۹۷۱ در تل‌آویو و کتاب استراتژی‌های عربی و واکنش‌های «اسرائیلی»، که در سال ۱۹۷۷ در نیویورک منتشر شده و متشکل از ده فصل است.^۲

با مطالعه موضوعات مورد توجه شرق‌شناسی «اسرائیلی»، می‌توان خصوصیات را

۱. ابراهیم عبدالکریم، همان، ص ۱۹۰ - ۱۹۶.

۲. همان، ص ۵۳۷ - ۵۴۰.

استحصال کرد که این نوع شرق‌شناسی را از دو مرحله سابق خویش متمایز می‌کند. این خصوصیات را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

الف. استمرار و تکرار: بی‌شک شرق‌شناسی «اسرائیلی» از حیث نشو و نما و تاریخ چیزی نیست جز ادامه شرق‌شناسی یهودی و صهیونیستی. افزون بر اینکه به شکلی در خور توجه از شرق‌شناسی غربی تأثیر می‌پذیرد، به گونه‌ای که با همان بحران‌ها و مشکلاتی مواجه گردید که شرق‌شناسی غربی با آن مواجه بود، به ویژه در زمینه وارد آوردن شبهات شرق‌شناسانه به اسلام و منابع آن. به همین دلیل موضوعات، دیدگاه‌ها و تزها و فراتر از آن، بسیاری از اهدافش، همان تکرار موضوعات، دیدگاه‌ها و تزهای مطرح شده در شرق‌شناسی یهودی و صهیونیستی و غربی است و در این زمینه می‌توان به شبیه بازگرداندن ریشه‌های اسلام به منابع یهودی، مسیحی و بت‌پرستانه یا تطبیق روش نقد کتاب مقدس بر قرآن اشاره کرد که در غرب برای نقد متون تورات و انجیل‌ها استفاده می‌شد. به عنوان مثال ملاحظه می‌کنیم، در ترجمه عبری ارائه شده از معانی قرآن کریم که در مرحله شرق‌شناسی «اسرائیلی» تهیه و تدوین شد تا حدود زیادی همان خطاهای وارده را در ترجمه‌های عبری پیش از خود تکرار نمودند، به همین دلیل گزافه نیست، اگر بگوییم، نقش شرق‌شناسی «اسرائیلی» به مثابه «ادامه» نقش شرق‌شناسی یهودی به شکلی خاص و شرق‌شناسی غربی به شکلی عام بود.

ب. دو زبانه بودن: یکی از خصوصیات پژوهش‌های شرق‌شناسانه «اسرائیلی» دو زبانه بودن آنهاست، به این معنا که به بیش از یک زبان تألیف شده و فقط به زبان عبری اکتفا نشده است (عبری اولین زبان رسمی در «اسرائیل» است). بسیاری از تألیفات و پژوهش‌های شرق‌شناسانه «اسرائیلی» به زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی و افزون بر آن عبری نوشته و تألیف شده است.

ج. ارتباط با ارگان‌های سیاسی، امنیتی و آموزش رسمی در «اسرائیل»: معروف است، اکثر شرق‌شناسان «اسرائیلی» ارتباطی عمیق و مستحکم با دستگاه‌های امنیتی، سیاسی و آموزشی «اسرائیل» دارند، به عنوان مثال ملاحظه می‌کنیم، یهوشفاط هرکابی، به عنوان یکی از شرق‌شناسان سرشناس «اسرائیلی»، اندیشمند و استراتژیست مطرح بوده و در سطح داخلی (اسرائیلی) و خارجی (بین‌المللی) حضوری فعال دارد و ارگان‌ها و نهادها و شخصیت‌های مهم کشوری در «اسرائیل» در اتخاذ تصمیمات و قراردادهای سرنوشت‌ساز از او کمک می‌گیرند و او مشاوره‌های بسیاری به برخی وزارتخانه‌های «اسرائیلی» از جمله وزارت امور خارجه، آموزش و پرورش و دفاع و کمیسیون امور خارجه و امنیت کنست ارائه داده است و گلدمایر، نخست‌وزیر وقت «اسرائیل»، قبل و بعد از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ از او برای مشورت و ارزیابی اوضاع و احوال کمک خواست.^۱

افزون بر آن ملاحظه می‌کنیم، اکثر جناح‌ها و مؤسسات و نهادهای «اسرائیلی» متمرکز بر پژوهش‌های شرق‌شناسانه، یا درون مؤسسات و نهادهای آموزشی و امنیتی و سیاسی «اسرائیل» هستند یا به نوعی با این مؤسسات ارتباط دارند.^۲

د. غلبه هویت سیاسی: اگر وجه تمایز شرق‌شناسی یهودی در این است که بر بعد مذهب بسیار تکیه می‌کند و توجهات شرق‌شناسی صهیونیستی میان مذهب و سیاست و تاریخ در نوسان است، شرق‌شناسی «اسرائیلی» با غلبه بافت و هویت سیاسی از دو نوع دیگر خود متمایز می‌شود، چون اکثر توجهات و موضوعاتی که در پژوهش‌های خود به آن پرداخته، سیاسی بوده است و اگر هم پژوهش‌های مذهبی، زبانی، ادبی یا تاریخی صورت گرفته، در خدمت اهداف و اغراض سیاسی بوده است. بهترین نمونه در این زمینه مطالبی است که «اوری

۱. همان.

۲. ابراهیم عبدالکریم، پژوهشگر فلسطینی، تحقیق جامع و کاملی در زمینه مؤسساتی انجام داده است که به تحقیقات

خاورشناسی و نزاع نزد اسرائیل می‌پردازند.

رابین» - صاحب جدیدترین ترجمه عبری از قرآن کریم که در سال ۲۰۰۵ در «اسرائیل» چاپ و منتشر کرد - در تفسیرها و پانوشته‌های ترجمه‌اش آورده است که تفسیرهایی سیاسی بر آیات قرآن کریم، به ویژه در امور جنگ، جهاد و رابطه مسلمانان با اهل کتاب ارائه شده است.^۱

◆ اهداف شرق‌شناسی «اسرائیلی» و راه‌های رویارویی

اهداف شرق‌شناسی «اسرائیلی»، مابین اهداف مذهبی، سیاسی و تاریخی در نوسان است. اما با توجه به ارتباط شرق‌شناسی با «اسرائیلی» به عنوان یک موجودیت سیاسی، اکثر اهداف این نوع از شرق‌شناسی صرفاً سیاسی و تمام آنها در راستای حمایت از حضور «اسرائیل» در منطقه بوده است. این اهداف را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

شرق‌شناسی «اسرائیلی» به تلاش جهت تحریف قرآن کریم و ایجاد شک و شبهه در منابع آن روی آورد و مهم‌ترین شیوه آن تهیه و تدوین ترجمه‌های عبری «تحریف شده» و «غیر امین در ترجمه» از معانی قرآن کریم و افزودن حواشی و پانوشته‌ها و تفسیرهایی به آن بود تا به ذهن خواننده این‌گونه تداعی کند که منابع قرآن، منابع یهودی، مسیحی و بت‌پرستانه بوده است.

۱. تحریف و تشکیک در منابع اساسی اسلام
این هدف از جمله اهداف مشترک میان شرق‌شناسی یهودی، صهیونیستی، «اسرائیلی» و غربی به شمار می‌آید. تمام این مدارس یا مراحل شرق‌شناسانه تلاش کردند تا جای ممکن منابع اصلی و اساسی اسلام (قرآن کریم، حدیث نبوی) را برای ایجاد شک و شبهه در مصداقیت و صحت آنها تحریف کنند و موفقیت در

۱. اوری رابین، قرآن، ترجمه عبری، دانشگاه تل‌آویو، ۲۰۰۵.

این امر برای آنها به معنای موفقیت در غلبه بر دین اسلام است. در خصوص شرق‌شناسی «اسرائیلی»، این نوع از شرق‌شناسی به تلاش جهت تحریف قرآن کریم و ایجاد شک و شبهه در منابع آن روی آورد و مهم‌ترین شیوه آن تهیه و تدوین ترجمه‌های عبری «تحریف شده» و «غیر امین در ترجمه» از معانی قرآن کریم و افزودن حواشی و پانوشتها و تفسیرهایی به آن بود تا به ذهن خواننده این‌گونه تداعی کند که منابع قرآن، منابع یهودی، مسیحی و بت‌پرستانه بوده است.

۲. نگارش مجدد تاریخ جهان عرب برای توجیه موجودیت یهود در فلسطین

شرق‌شناسی «اسرائیلی» تلاش‌های علمی بسیاری کرد تا تاریخ جهان عرب به طور عام و فلسطین و شهر قدس را به طور خاص تغییر دهد و بازنویسی کند و بدین‌وسیله حضور و موجودیت یهود را در فلسطین اثبات و بر این نکته تأکید کند که این کشور و شهر قدس مرکز دینی و سیاسی یهود در طول تاریخ آنها بوده است و برای تحقق این هدف پژوهش‌های شرق‌شناسانه «اسرائیلی» اقدام به تفسیر مجدد حوادث تاریخ قدیم و میانه و نوین نمودند به شکلی که دروغین بودن حوادث و تحریف حقایق آن کاملاً آشکار و عیان است.^۱

۳. تحریف تصویر جوامع عربی

پژوهش‌های شرق‌شناسانه «اسرائیلی» توجه خویش را بر تحلیل و بررسی شخصیت‌ها و جوامع عربی متمرکز کردند تا برنامه‌ها و طرح‌های علمی لازم را جهت غلبه بر خصوصیات مثبت و بیان خصوصیات منفی آنها و معرفی جوامع عربی به جهانیان به منزله جوامعی عقب‌مانده، افراطی و صحرانشین و بیابانگرد - که هیچ ریشه‌ای در منطقه ندارند - وضع نمایند و بدین‌وسیله به هدف اصلی جنبش صهیونیسم و «اسرائیل» دست یابند که در استفاده از

۱. محمد خلیفه حسن، همان، ص ۶۹ - ۷۱.

دیباچه‌های علمی و آکادمیک برای ترویج این شعار صهیونیستی که عنوان می‌کند، «اعراب هیچ حقی در هیچ چیز ندارند» و فلسطین «سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین است»، نمود پیدا می‌کند.

۴. ارائه خدمات علمی برای طرف «اسرائیلی» در اداره مسائل نزاع اعراب با «اسرائیل» مسئله نزاع اعراب با «اسرائیل»، محور اساسی پژوهش‌ها و تحقیقات شرق‌شناسانه «اسرائیلی» را تشکیل می‌دهد، چون همان‌گونه که گفتیم شرق‌شناسی بعد علمی جنبش‌های استعماری به شمار می‌آید و «اسرائیل» چیزی نیست، جز شکل جدیدی از اشکال استعمار قدیم

اروپا. به همین دلیل، شرق‌شناسی برای «اسرائیل» سوپاپ اطمینان استراتژی و سیاست این کشور را تشکیل می‌دهد که نمی‌توان از آن چشم پوشید. با توجه به اینکه تحقیقات و پژوهش‌های علمی و آکادمیکی بسیاری در اختیار تصمیم‌گیرندگان بلندپایه «اسرائیلی» پیرامون مسائل مختلف مربوط به نزاع اعراب با

«شرق‌شناسی اسرائیلی» با تشکیل کشور «اسرائیل» در سال ۱۹۴۸ به عنوان ادامه «شرق‌شناسی یهودی» و «شرق‌شناسی صهیونیستی» پای به عرصه گذاشت.

«اسرائیل» قرار دارد و این جدای از اطلاعات فراوانی است که پیرامون تمام امور مسائل عربی و اسلامی به سران و رهبران کشور ارائه داده است، این امر نشان می‌دهد این حوزه فواید بسیاری برای سران «اسرائیلی» داشته و آنها را به خوبی با کشورهای عربی و اسلامی آشنا کرده است. به همین دلیل عجیب نیست، اگر به دستاوردهای علمی شرق‌شناسی «اسرائیل» به عنوان دستاوردهای قومی، امنیتی و استراتژیک نگریسته شود. به عنوان مثال ملاحظه می‌کنیم، برخی تألیفات حافا لاتسروس، یکی از شرق‌شناسان سرشناس «اسرائیلی»، را وزارت دفاع «اسرائیل» چاپ و منتشر می‌کند، از جمله کتاب *اسلام: خطوط عریض در سال ۱۹۸۰ و احادیث*

دیگری از اسلام در سال ۱۹۸۵.

از آنچه گذشت، آشکار می‌شود که دستاوردهای شرق‌شناسی «اسرائیلی» برای کشورهای عربی و اسلامی و حتی اسلام و منابع اساسی آن خطرات بزرگی دربر دارد، و یقیناً این مهم باید به استراتژی همه‌جانبه‌ای برای مقابله با این اقدامات استوار باشد، این استراتژی اسلامی می‌تواند بر دو پایه ذیل بنا شود:



از آنچه گذشت، خطرات بزرگی که دستاوردهای شرق‌شناسی «اسرائیلی» برای کشورهای عربی و اسلامی و حتی اسلام و منابع اساسی آن دارند، آشکار می‌شود، موضوعی که باعث می‌شود به طور حتم بر استراتژی اسلامی و کاملی برای رویارویی با این اقدامات تکیه کرد.

الف. احداث مراکز و بخش‌های تحقیقاتی و پژوهشی جدید درون دانشکده‌های ادبیات، زبان‌شناسی و علوم انسانی و مذهبی جهت تحقیق و پژوهش تخصصی در امور و مسائل «اسرائیل» و زبان عبری و نقد دستاوردهای شرق‌شناسانه یهودی به طور عام و «اسرائیلی» به طور خاص و هر آنچه به پژوهش در علوم مختلف انسانی از جمله اجتماع، تاریخ و مذهب مربوط است و در همان زمان، اختصاص بخش‌های جدا و مستقل درون وزارتخانه‌هایی که به نوعی

با مسائل و امور امنیتی و استراتژیک مرتبط هستند، مانند وزارت دفاع، کشور، امور خارجه، آموزش و پرورش و فرهنگ که وظیفه آنها پیگیری و نقد و پاسخ به این رهاوردهای شرق‌شناسانه باشد.^۱

۱. احمد صلاح البهنسی، «رؤیه الصحافة الاسرائیلیه للشئون الخلیجیه»، شئون خلیجیه، ش ۴۵، ربیع الاول، ۲۰۰۶.

ب. فراهم ساختن امکانات مورد نیاز برای اجرای طرح‌های بزرگ فرهنگی و آکادمیک، جهت شناسایی شبهات و خطاهای شرق‌شناسان «اسرائیلی» پیرامون اسلام و امور کشورهای عربی و اسلامی و در این زمینه به نظر می‌رسد، اولین گام باید تهیه و تدوین دایره‌المعارفی اسلامی باشد با عنوان:

محدود ساختن و نقد شبهات شرق‌شناسی «اسرائیل» علیه اسلام و کشورهای اسلامی.